

بررسی نوع حیوانات و علل وجود آنها در ضرب المثل‌ها

سید جلال موسوی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

چکیده

پیوند انسان و حیوان با توجه به اسطوره‌ها و نقوش موجود در سکونت‌گاه‌های اولیه انسان، تاریخ دور و درازی دارد. به موازات تحولات گوناگون در حیات بشر و پیدایش کتابت و ادبیات، این پیوند در آثار ادبی نیز نمایان شد. در ادبیات ایران پیش از اسلام و مخصوصاً در ادبیات دوره اسلامی آثار بسیاری با نقش آفرینی حیوانات و از زبان آنها خلق شده است. ضرورت‌هایی همچون، سرگرمی، انتقاد، تعلیم، بیان نمادین و غیر مستقیم باعث به کارگیری حیوانات در آثار ادبی شده است. علاوه بر آثار مکتوب، در ادبیات شفاهی نیز حیوانات حضور گسترده پیدا کرده‌اند. اما از آنجا که بر خلاف آثار دسته نخست بررسی و تحقیق در ادبیات عامه چندان رایج نبوده، ابعاد و کیفیت حضور حیوانات در این گونه از ادبیات بررسی نشده است. بنابراین در این نوشتار نوع و علل حضور حیوانات در ضرب المثل‌ها، که یکی از اشکال رایج ادبیات شفاهی هستند، بررسی می‌شود. برای این منظور ابتدا جدول نوع حیوانات و بسامد هر یک از آنها، از حدود دو سوم از کتاب قند و نمک جعفر شهری استخراج شده، سپس ویژگی حیوانات دارای بسامد بررسی شده است. طبق بررسی‌ها حیوانات اهلی و در دسترس از لحاظ تنوع کمتر از وحوش، اما از لحاظ تعداد تکرار فرد به فرد و بسامد بیش از آنها هستند. این امر ناشی از ماهیت تشبیهی و انتقادی ضرب المثل‌هاست.

کلید واژه‌ها: ضرب المثل، حیوانات، تشبیه، انتقاد

مقدمه

سابقه پیوند انسان و حیوان و عرصه‌های این پیوند

پیوند میان انسان، قدمتی به بلندای تاریخ پیدایش انسان و حیوان بر روی جهان خاکی دارد. این امر هم از اساطیر و وقایع مربوط به آغاز پیدایش انسان استنباط شدنی است هم از وجود تصاویر و نشانه‌های حیوانات در نخستین سکونتگاه‌های بشر. انسان نخستین از همان آغاز، با ترسیم تصاویر جانداران بر دیوار غارها و صخره‌ها، تصورات و تلقیات خود را درباره جانوران ابراز کرده و با این عمل سندی محکم از پیوند ذهنی و عینی خود با این موجودات ثبت و به یادگار گذاشته است. علاوه بر شواهد و قرائنی از این دست، در راستای ترسیم هر چه بهتر این پیوند دیرین، می‌توان به برخی حکایات اساطیری که در آنها حیوانات نقش و شخصیت دارند نیز توجه کرد (ر.ک تقوی، ۱۳۷۶، ص ۹۲ و زمردی ص ۲۵۳ به بعد). در کنار این شواهد، تصورات انسان از صور فلکی عرصه-ای دیگر از اتصال دیرین انسان و حیوان را پیش رو نهاده است. رابطه میان انسان و حیوانات و نقش جانوران در حیات او به درجه-ای بوده است که آدمی تلقیات و تصاویر مربوط به حیوانات را نه تنها در زمین و اطراف خود ترسیم کرده بلکه به بروج فلکی و اشکال آسمانی نیز شکل حیوانی داده است. حمل، ثور، سرطان، اسد، عقرب جدی و حوت حیواناتی هستند که انسان برای توصیف و ترسیم بروج به آنها متوسل شده است. علاوه بر این «دلالت باورهای نجومی و ارتباط میان صور فلکی، خصوصیات صور فلکی و... با انسان‌ها در قالب طالع بینی، نمونه دیگری از خلط دنیای انسانی و حیوانی است» (ستاری، ۱۳۷۷، ص ۷۹) که از گذشته دور تا به امروز باقی مانده است.

به مانند حوزه اساطیر و باورهای عمومی، در گستره ادبیات نیز از حیوانات در اشکال مختلف به ویژه در اشکال روایی‌ای نظیر داستان، تمثیل و قصه مکرر استفاده شده است. این امر در ادبیات پیش از اسلام و بویژه در ادبیات ایران بعد از اسلام مصادیق فراوانی دارد. درخت آسوریک که در آن بز و درختی با هم مناظره دارند، نمونه‌ای از آثار ایران قبل از اسلام است که در آن، حیوانی در مقام نماد طبقه‌ای از اجتماع آن روز نقش آفرینی کرده است. در این مناظره که به زبان پارسی یا پهلوی اشکانی سروده شده است، بز به عنوان نماد جامعه دینی زردشتی، با نخل، نماد طبقه آشوری و بابلی، معارضه دارد (ر.ک. درخت آسوریک، ۱۳۳۶). در دوران اسلامی نیز آثار معروفی همچون کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، منطق الطیر عطار، بخشی از حکایات مثنوی و آثار بسیار دیگری که ذکر همه آنها مجال فراخ می‌طلبد، از زبان حیوانات ترتیب داده شده است.

در این گستره حیوانات به منظور بیان انتقاد غیر مستقیم، معرفی تیپ‌های اجتماعی، تعلیم(اخلاق، عرفان، سیاست و ملک داری و...)، سرگرمی و... به کار گرفته شده‌اند. بنا بر این ظرفیت‌ها، همان طور که گفته شد، عرصه تاریخ ادبیات شاهد پیدایش آثار فراوانی شده است که حیوانات در آنها نقش آفرین شده‌اند. در این راستا «تاریخچه حکایت‌های حیوانات نشان می‌دهد که هر زمانی مناسب بوده و اقتضا می‌کرده است روشنفکران، اندیشمندان و اهل قلم، از آنها برای ابراز عقاید و انتقادهای نیش‌دار اجتماعی بهره گرفتند»(شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۲۷۱).

«فابل» نماد حضور حیوانات در ادبیات

برای ترسیم هر چه بهتر نقش آفرینی حیوانات در ادبیات می‌توان به «تمثیل» اشاره کرد. در این گونه که فرنگیان به آن فابل (fable) گفته، آن را یکی از انواع ادبی دانسته‌اند، قهرمانان حکایت‌ها جانورانند. این جانوران هر کدام مثل تیپ یا طبقه‌ای هستند(همانجا). در اصطلاح ادبی، فابل «داستان ساده و کوتاهی است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوان هستند و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است»(تقوی، ۱۳۷۶، ص ۹۲). به تعریف دیگر در ادبیات جهانی فابل به آن دسته از قصه‌ها و افسانه‌های کوتاه منثور یا منظوم گفته می‌شود که از زبان حیوانات بیان شده باشد. این روایات تخیلی هستند و به بیان مطالب اخلاقی می‌پردازند. در واقع شخصیت‌های این قصه حیواناتی با سرشت انسانی‌اند(ر.ک. سعیدیان، ۱۳۶۹، ص ۵۹۷-۵۹۹). معمولاً حیوانات در این حکایات هر یک نماد تیپ و طبقه‌ای از اجتماع هستند برای مثال در کلیله و دمنه، شیر مظهر و نماد شاهان و حاکمان است. در منطق‌الطیر هدهد نماد شیخ و رهبر، سیمرغ نماد خدا، بلبل نماد مردم عاشق‌پیشه، طوطی نماد متشرعان و زاهدان و طاووس نماد انجام دهندگان تکالیف برای رسیدن به بهشت است»(شمیسا، همانجا).

هدف عمده و غالب در ترتیب این گونه از حکایت‌ها همان طور که در تعاریف مذکور از فابل بیان شد، تعلیم(تعلیم اخلاقیات) است. بر این اساس ابلاغ پیام (پیام اخلاقی و غیره) در آن امری مهم و اصلی اساسی است. از سر توجه به چنین اصل، ضرورت توسل به حیوانات و ذکر تمثیل‌های رمزی پیش کشیده می‌شود زیرا توسل به حیوانات و ذکر تمثیل‌های رمزی در واقع «نوعی از استدلال است که برای اقناع مردم عادی و انتقال فکر به آنها به عنوان بهترین شیوه بیان شناخته می‌شود»(پورنامداریان، ۱۳۶۷، ص ۱۲۱).

ضرورت توجه به حیوانات در ادب شفاهی

علاوه تمثیل و گونه‌های ادبی دیگری همچون قصه‌های عامیانه، در مثل‌ها نیز حیوانات حضور جالب توجهی دارند. مثل در واقع شاخه‌ای از فرهنگ عامه و جز ادبیات شفاهی است. بر این اساس هم ادبیات مکتوب و رسمی و هم ادبیات شفاهی، عرصه نقش آفرینی حیوانات است(برای آگاهی بیشتر ر.ک. جعفری قنوازی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴-۱۱۰). از این رو بررسی و تحلیل علل و کیفیت حضور حیوانات در ادب شفاهی و عامه نیز به مانند ادب رسمی و مکتوب ضروریست. این ضرورت، امروزه از آن جهت که ادب شفاهی در مقایسه با ادب مکتوب، کمتر توصیف و تحلیل شده، بیش از پیش مطرح و درخور توجه است.

روش و محدوده تحقیق

بنا بر آنچه از جایگاه حیوانات در ادبیات بیان شد و بنا بر اشاره‌ای مختصری که به حضور حیوانات در مثل رفت در این گفتار به بررسی جامع‌تر کمیت و کیفیت حضور این عناصر در مثل‌ها پرداخته خواهد شد، در این راستا ابتدا فهرست حیوانات از حدود دو سوم کتاب قند و نمک جعفر شهری استخراج می‌شود. این کتاب حاوی ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره است. بعد از ترتیب این فهرست و ذکر نوع و بسامد هر یک از حیوانات، ویژگی‌های حیوانات موجود در مثل‌ها به ویژه انواع دارای بسامد بیان خواهد شد سپس دلایلی حضور حیوانات در مثل با توجه به ماهیت مثل‌ها بررسی خواهد شد.

تعریف مثل و ابعاد آن

مثل در واقع «گفته مختصر و مفید در تداول عامیانه است» که مثل ترانه‌های عامیانه و قصه‌های شعر گونه به تاریخ قومی تعلق دارد و در واقع قسمتی از زبان گفتار است»(پورنامداریان، همان، ص ۱۱۴). به تعریف دیگر «ضرب‌المثل شکلی از کلام نغز است که قبول و کاربرد همگانی و مردمی یافته است... ضرب‌المثل‌ها آفرینندگان گمنامی دارند اما قبول همگانی یافته‌اند»(احمدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۴). همان طور که از این دو تعریف بر می‌آید رواج و تداول عامیانه، نغز و مفید بودن، گمنامی آفرینندگان، تعلق به تاریخ قومی و قسمی از زبان گفتار بودن، ویژگی بارز ضرب‌المثل‌هاست. اما به نظر می‌رسد تعاریف مذکور

جامع و مبین همه زوایای مثل نیستند به ویژه که به مضمون مثل و علل مقبولی آن در این تعاریف اشاره نشده است. بر این اساس در تعریفی مکمل، مثل «جمله‌ای است کوتاه، [گاه] آهنگین، مشتمل بر تشبیه با مضمون حکیمانه که به واسطه روانی و سادگی الفاظ، روشنی معنا و لطافت ترکیب بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در گفتار به کار برند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵). در کنار تعاریف پیشین، تعریف اخیر از مثل به نمودن هر چه بیشتر ابعاد و ماهیت این گونه ادبی و ترسیم تصویری واقعی از آن کمک شایانی می‌کند. تعریف جامع از مثل و ترسیم زوایای مختلف آن، برای بررسی بهتر فلسفه حضور پدیده‌هایی نظیر حیوانات در آن ضروری است. در واقع با پی بردن به ماهیت مثل و کارکردهای آن به واسطه این تعاریف، می‌توان بررسی و تبیین دقیق‌تری از مثل و عوامل نقش‌آفرین در آن عرضه کرد. در این راستا در این جستار حیوانات، یکی از عناصر مکرر و نقش‌آفرین در مثل‌ها، از راه ذکر نام حیوان و بسامد هر نوع، توصیف و متناسب با عنوان این مقاله بررسی می‌شود.

جدول اسامی حیوانات موجود در مثل‌ها و بسامد هر یک از آنها

تعداد تکرار نام هر حیوان	نام حیوانات (به ترتیب بسامد)
۸۱	خر(الاغ)
۲۰	سگ
۱۳	شتر(اشتر)
۱۱	گربه
۸	اسب، فیل و گاو(گاب)
۷	گرس و مار
۶	روباه(روبه) و مرغ
۵	بلبل و مگس
۴	بز، عقرب، شغال و خروس
۳	کلاغ، قاطر و موش
۲	بزغاله، تازی، خرس، طاووس، کک و ماهی
۱	عقاب، سوسک، شترمرغ، آهو، جوجه، ابابیل، شیر، گنجشک، گوساله، مور، میمون، یابو و پشه

توصیف و تحلیل جدول

بر اساس جدول فوق در دو سوم از کتاب مثل‌های تهرانی، به نام ۳۹ حیوان اشاره شده است. بالاترین بسامد مربوط به حیوان خر(الاغ) با هشتاد و یک بار تکرار است و کمترین بسامد نیز مربوط به تعداد سیزده حیوان است که نام هر کدام یکبار ذکر شده است. با توجه دقیق به جدول فوق، می‌توان در یک تقسیم بندی حیوانات مندرج در آن را از حیث بسامد به سه دسته تقسیم بندی کرد. گروه اول شامل حیواناتی است که نام هر یک بیش از ده بار تکرار شده است و در واقع بیشترین بسامد را در جدول دارند. اعضای این گروه به ترتیب چهار حیوان خر(۸۱ بار)، سگ(۲۰ بار)، شتر(۱۳ بار) و گربه(۱۱ بار) است. گروه دوم حیواناتی هستند که بر اساس جدول بین پنج الی ده بار در مثل‌ها تکرار شده‌اند. در این گروه هفت حیوان وجود دارد که به ترتیب تعداد تکرار عبارتند از اسب، فیل و گاو هر یک(۸ بار)، گرس و مار(۷ بار) و روباه و مرغ (۶ بار). گروه سوم شامل حیواناتی است که نام آنها بین یک الی پنج بار ذکر شده است و در واقع کمترین بسامد را در میان حیوانات موجود در مثل‌های تهرانی دارند. در این گروه بیست و هشت حیوان قرار دارد که به ترتیب بسامد عبارتند از بلبل و مگس(۵ بار)، بز، عقرب، شغال و خروس(۴ بار)، قاطر و موش(۳ بار)، بزغاله، تازی، خرس، طاووس، کک و ماهی(۲ بار) و عقاب، سوسک، شترمرغ، آهو، جوجه، ابابیل، شیر، گنجشک، گوساله، مور، میمون، یابو و پشه(۱ بار).

بر اساس جدول مذکور چهار حیوانی که بالاترین بسامد را در مثلها دارند، ارتباط مستقیم و روزانه‌ای با زندگی مردم و عامه ساکن در کوچه و بازار داشته‌اند. در این چهار نمونه هر چند به نظر می‌رسد شتر به دلیل ویژگی اقلیمی خاص خود حضور گسترده و مستقیم در زندگی عموم نداشته، اما در مقام حیوان باربر قوی و مرکب تجار و مسافران، در جاده‌ها و کوچه و بازار شهرها و روستاها به وفور در دیدرس همگان بوده است. علاوه بر در دسترس و دیدرس بودن، همه این چهار حیوان رام و وابسته به انسان بودند. در گروه دوم یعنی حیواناتی که بسامدی بین پنج تا ده عدد دارند ویژگی‌های مذکور درباره گروه نخست، دیگر پایدار نیست. از هفت حیوان این گروه یعنی اسب، فیل، گاو، گرگ، مار روباه و مرغ فقط برخی ارتباط روزانه و مستقیم با انسان دارند و پیوسته در دیدرس او بوده‌اند اما حدود نیمی از این حیوانات از نوع وحوش محسوب می‌شوند و اگر فیل را که در ایران به دلیل اقلیم این سرزمین کمتر به عنوان مرکب استفاده می‌شد غیر اهلی در نظر بگیریم بیش از نیمی از این گروه از جمله وحوش محسوب خواهد شد. از این رو در این گروه فقط در حدود نیمی از حیوانات ارتباط مستمر یا تقریباً مستمر با انسان داشته‌اند. اما در گروه سوم که شامل بیست و هشت حیوان است روند تغییر نسبت‌ها و ویژگی‌های برشمرده برای حیوانات گروه دوم همچنان ادامه دارد و این نسبت‌ها و ویژگی‌ها به ویژه در مقایسه با گروه نخستین کاملاً به نقطه مقابل رسیده است. از میان بیست و هشت حیوان یعنی بلبل، مگس، بز، عقرب، شغال، خروس، کلاغ، قاطر، موش، بزغاله، تازی، خرس، طاووس، کک، ماهی، عقاب، سوسک، شترمرغ، آهو، جوجه، ابابیل، شیر، گنجشک، گوساله، مور، میمون، یابو و پشه، فقط هشت نمونه یعنی بز، خروس، قاطر، بزغاله، تازی، جوجه (به فرض جوجه مرغان خانگی)، گوساله و یابو، اهلی محسوب می‌شوند یعنی در حدود یک چهارم از آنها. بقیه حیوانات این گروه وحوش (اغلب از نوع چارپایان و پرندگان) و حشرات محسوب می‌شوند. این وحوش و حشرات را می‌توان به دو دسته موذی و مفید یا دست کم غیر مضر تقسیم کرد. کک، خرس، مگس، عقاب، عقرب، شغال، کلاغ، موش، سوسک، شیر و مور از موذیان و بعضاً از موذیان خطرناک این گروه‌اند. طاووس، ماهی، شتر مرغ، آهو، ابابیل، گنجشک، میمون وحوش مفید یا دست کم غیر مضر این گروه هستند که برخی از باب تفریح، تزئین و مصرف گوشت به کار گرفته می‌شدند.

در مجموع حیواناتی که طبق این تقسیم بندی کمترین بسامد را در مثلها دارند، اغلب حیواناتی هستند که ارتباط مستقیم و مستمر با زندگی انسان ندارند. آنها اغلب نه تنها رام و اهلی نیستند بلکه انسان دسته‌ای از آنها را همواره خطرناک می‌داند و پیوسته در صدد دفع آنها بر می‌آید. رام نبودن و خصلت گریزان اغلب حیوانات گروه سوم، باعث شده است آنها نسبت به حیوانات گروه اول کمتر در دیدرس و تماس مستقیم باشند و در نتیجه حضور کمتری در مثلها پیدا کنند. به عبارت خلاصه بر اساس جدول بسامد حیوانات در مثلها، تعداد بکارگیری و ذکر نام هر جانوری که با انسان الفت دارد و رام اوست نسبت به جانورانی که از نوع وحوش محسوب می‌شوند بیشتر است. هر چه از بسامد و تعداد حیوانات دارای تکرار در جدول کاسته می‌شود بر تعداد «نوع» وحوش افزوده می‌شود به طوری که در کمترین بسامد و تکرار یعنی در عدد (۱)، بیشترین حیوان از نوع وحوش حضور دارد با این توضیح که نام آنها علی‌رغم تعدادشان، مکرر نمی‌شود. متقابلاً هر چه بر عدد بسامد و تکرار تک تک حیوانات افزوده می‌شود، غلبه با حیوانات اهلی است به طوری که رام‌ترین و مطیع‌ترین آنها یعنی، خر با بسامد (۸۱) در رأس بسامدها قرار می‌گیرد.

تشریح علل توجه به حیوانات در مثلها

پیشتر در مقدمه به دلایل چندی که منجر به حضور حیوانات در فرهنگ عمومی، ادبیات مکتوب و شفاهی شده است اشاراتی شد. در توصیف جدول بسامد حیوانات نیز تا حدودی به کمیت و کیفیت حضور حیوانات در مثلها اشاراتی شد اما به نظر می‌رسد بتوان با عنایت به ساختار و کارکردهای خاص مثل، کیفیت و کمیت حضور حیوانات در آن را بیشتر تشریح کرد. همان طور که در تعریف مثل از قول ذوالفقاری ذکر شد ساختار مثل مشتمل بر تشبیه است. عنصر تشبیه چنان در مثل مندرج است که به زعم برخی «اگر عبارت رایج به رغم داشتن سایر شروط مثل، فاقد عنصر تشبیه باشد هرگز مثل نخواهد بود» (طاهری‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹). از آنجا که مثل در واقع به اقتضای مقام و موقعیت، و به ضرورت کنش و رفتار خاصی ایراد می‌شود، گوینده مثل در مقام تشبیه، مقام و موقعیت، رفتار، عادت، پدیده خاص و امثال این موارد را، در قالب دیگر که ماهیتاً «شبیه» به اصل ماجراست ایراد می‌کند تا تبیین روشنتری از آنچه جاریست بنماید. چنین روشنگری و تبیینی با توسل به تشبیه قابل احراز است زیرا یکی از کارکردهای تشبیه، تبیین و ابلاغ هر چه صریح‌تر مطلب و منظور است. بر اساس چنین اصلی، در ایراد تشبیه توسل به امور و واقعیات ملموس، متعارف و در دسترس، برای ابلاغ بهینه مطلب، امری بهنجار و طبیعی است. در راستای چنین

هدفی توسل به حیوانات به ویژه نوع رام و اهلی آنها، که از جمله امور و عناصر در دسترس بشر هستند دور از انتظار نیست. در مقدمه گفته شد که تاریخ پیوند انسان و حیوان تاریخی بسیار بلند است بنابراین حیوانات به ویژه حیوانات اهلی و رام و ویژگی‌های آنها، برای انسان، متعارف و شناخته شده است لذا استفاده از ویژگی‌های طبیعی و باورهای رایج درباره این موجودات برای ابلاغ منظور، از راه ایراد تشبیه امر طبیعی است. در مثل‌ها، طبق جدول مندرج در این مقاله، آن دسته از حیوانات که با انسان الفت و رابطه دیرینه و نزدیکی دارند و در نتیجه شناخته شده‌تر هستند، استخدام بیشتری دارند. این امر با ساختار تشبیهی مثل‌ها تناسب طبیعی دارد. زیرا در تشبیه و در هر قالبی که در پی تبیین و ابلاغ صریح معناست، امور و عناصر ناشناخته و مبهم، نمی‌توانند به کار آیند بلکه از امور متعارف و در دسترس نظیر حیوانات اهلی، برای برآورد این منظور باید استفاده کرد. به عبارت دیگر بسامد حیوانات اهلی در مثل‌ها با ساختار تشبیهی و کارکرد تبیینی مثل‌ها، توجیه مناسب و درخوری می‌پذیرد. علاوه بر همه این موارد یکی از وظایف تشبیه، تقبیح مشبه است (قمری، ۱۳۸۶، ص ۲). این امر با عنایت به جنبه انتقادی و اعتراضی مثل‌ها کاربرد حیوانات در آنها را بیش از پیش، طبیعی و روا می‌سازد.

در ادبیات فارسی شاعران و نویسندگان بسیاری به انتقاد از وضع موجود و ناهنجاری‌های عصر خود پرداخته‌اند. حافظ قهرمان مبارزه با ریا و نفاق زاهدان و صوفیان ریایی است. ناصر خسرو بر مسلک‌های ناروا و کژئی‌های زمانه اعتراض‌های پی در پی کرده است. فردوسی، سعدی، مولوی و طنز پردازانی همچون عبید و بسیاری دیگر که شمارش آنها مجال گسترده می‌طلبد هر یک با نگاه تیزبینانه خود ناراستی‌ها و مفاسد جاری در زمانه خود را برملا کرده‌اند. برخی همچون عبید و حافظ به صراحت و مکرر تازیانه اعتراض و انتقاد را فرود آورده‌اند برخی نیز در لفافه و با توسل به ابهام و ایهام به کژئی‌ها و ناهنجاریها واکنش نشان داده‌اند. در ادب شفاهی و عامه نیز، که ضرب المثل بخشی از آن است، اعتراض و انتقاد به مانند ادب رسمی همواره برقرار و بلکه صریح‌تر از آن مرسوم بوده است. مثل که حاصل تجارب و مناسبات واقعی انسان از بطن اجتماع است و گویندگانی «گمنام» دارد خواه نا خواه دستی گشاد و عرصه‌ای فراخ برای اعتراض و انتقاد داشته است. از آنجا که از یک سو ظلم و ستم و نابرابری‌های گوناگون همواره در اجتماع بشری وجود داشته و از سوی دیگر مثل‌ها مستقیم ناظر به واقعیات احوال انسان در درون جامعه است، اغلب مثل‌ها «حاوی اندیشه‌ای عمیق و سودمند و یا انتقادی شدید و طنزآمیز از رفتار و گفتار آدمیان و نابسامانی‌های اخلاقی و وضع غلط جامعه می‌باشد» (شکورزاده، ۱۳۸۲، ص هفت). این گونه اعتراض‌ها و انتقادهای بویژه زمانی که بعد از مدتها تحمل یا بدون ترس در گمنامی ابراز می‌شوند خواه نا خواه لحنی توهین‌آمیز و حتی گاه مستهجن می‌یابند. بر این اساس، تمسک و تشبیه به حیوانات و صفات زشتی که عامه به آنها نسبت می‌دهند برای ابراز انتقاد و اعتراض تند نمی‌توانست دور از نظر توده معترض باشد. اینکه در جدول بسامد حیوانات در مثل‌های تهرانی، حیواناتی نظیر خر و سگ بسامد بالایی دارند ناظر به همین واقعیت است. همچنین اشاره به حیواناتی همچون پشه، سوسک، مگس، موش، کک و یابو که هر کدام در تلقی عامه جایگاه پستی دارند باز تا حدودی حاکی از وجود اعتراض و انتقادهای وهن‌آلودی است که ضرورت توسل به حیوانات و به کارگیری آنها را در مثل‌ها، در کنار سایر دلایل موجب شده است.

نتیجه‌گیری

بر اساس جدولی که از انواع حیوانات و بسامد تک تک آنها در مثل‌ها ترتیب داده شد، بسامد حیواناتی که اغلب در دسترس و دیدرس انسان قرار دارند در مثل‌ها بالاست. تنوع و تعداد گونه‌های این دست از حیوانات، هر چند اندک است اما هر یک به تنهایی بسامد و تکرار چشمگیری دارند. در مقابل حیواناتی که از جمله وحوش هستند از نظر تنوع نسبت با گروه اول متعدد هستند اما تکرار و بسامد فرد به فرد آنها اندک است. بر این اساس می‌توان گفت در مثل‌ها برای ابلاغ منظور و معنی به حیواناتی که با انسان مجاورت و الفت دارند، بسیار بیشتر از انواع دیگر توجه شده است. این امر را می‌توان ناشی از ماهیت تشبیهی و انتقادی مثل‌ها دانست. تشبیه از عوامل روشنی معنی و منظور است بنابراین توسل به پدیده‌های شناخته شده و در دسترس، نظیر حیوانات اهلی و مجاور با انسان در مثل‌ها امری طبیعی است. از سوی دیگر جنبه انتقادی و اعتراضی مثل‌ها نیز، که گاه با وهن و تحقیر همراه است، ایجاب می‌کند برای بیان انتقاد به پدیده‌های پست یا پست انگاشته شده متوسل شود. بر این اساس حیوانات و صفات پستی که در اعتقاد عامه به این جانوران داده شده، در مثل‌ها اسباب مناسبی برای ابراز و اعلان انتقاد تلقی شده است. در این میان گویی انتساب و کشف صفات زشت و ناهموار در حیواناتی که با انسان مجاورت و پیوستگی مدام دارند، بیشتر روی داده است از این رو

این دست از حیوانات نظیر خر، شتر و سگ که بسامد چشمگیری در مثل‌ها دارند اسباب کارآمدی برای ابراز انتقاد و بیان اعتراض شده‌اند.

منابع

- احمدی، بابک، ساختار و تاویل متن، ۲ جلد، چاپ اول، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰.
- پورنامداریان، تقی، رمز و داستان‌های رمزی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- تقوی، محمد، حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، چاپ اول، تهران، روزنه، ۱۳۷۶.
- جعفری قنواتی، محمد، درباره ادبیات شفاهی قصه‌های تمثیلی (حیوانات)، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۴۵-۴۶، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴-۱۱۰.
- درخت آسوریک، به کوشش دکتر ماهیار نوایی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۳۶.
- ذوالفقاری، حسن، فرهنگ بزرگ ضرب المثل‌های ایرانی، ۲ جلد، تهران، معین، ۱۳۸۸.
- زمردی، حمیرا. نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و منطق الطیر عطار، تهران، زوار، ۱۳۸۲.
- ستاری، جلال، پژوهشی در قصه یونس و ماهی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- سعیدیان، عبدالحسین، دایرةالمعارف ادبی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- شکورزاده، ابراهیم، دوازده هزار مثل فارسی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران، فردوس، ۱۳۸۱.
- شهری، جعفر، قند و نمک (ضرب المثل‌های تهرانی به زبان محاوره)، چاپ چهارم، تهران، معین، ۱۳۸۱.
- طاهری‌نیا، علی باقر، «ارزش بلاغی مثل»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۸۱، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۶۳-۱۷۸.
- قمری، عبدالستار، بیان تشبیهات قرآن، کرمانشاه، انتشارات دانشگاه رازی، ۱۳۸۶.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop